

نگرشی بر تربیت و حقوق کودک

آرزو صاحب الزمانی (نویسنده مسئول) سید احمد هاشمی ۲

۱. دبیر آموزش و پرورش، دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد واحد لامرد، گروه علوم تربیتی، لامرد، ایران

Aradmohamadhasani07@gmail.com

۲. استاد گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

hmd_hashemi@yahoo.com

چکیده

سابقه و هدف: هدف اصلی این پژوهش نگرشی بر تربیت و حقوق کودک بود. سنین کودکی، مناسب‌ترین زمان برای پرورش استعداد، تقویت ظرفیت یادگیری و تربیت است. آنچه کودکان در این دوره تجربه می‌کنند، بر رشد همه‌جانبه آن‌ها تأثیرات ماندگاری دارد.

مواد و روشها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته های محقق استفاده شده است.

یافته ها: از نظر این پژوهش مبنای همه هویت‌ها، هویت فردی است (هویت قومی، فرهنگی، ملی، مذهبی، اجتماعی، جنسیتی و هویت‌های دیگر). هویت فردی بر مبنای خودشناسی، ارتباط با دیگران و با خالق هستی با استفاده از تعقل و تفکر، کسب اطلاعات علمی و رشد شناختی، عمل به آموخته‌ها و کسب نگرش و باور به ارزش‌ها شکل می‌گیرد.

نتیجه گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می‌شود که تربیت، عبارت است از فراهم کردن موقعیت برای شکل‌گیری هویت و بسترسازی برای رشد همه‌جانبه متوازن و انتخاب آگاهانه. بنابراین، آموزش و پرورش در دوره پیش‌دبستانی در شکل‌گیری هویت نقشی بی‌بدیل دارد؛ زیرا خودشناسی و سایر مهارت‌های مبنایی برای شکل‌گیری هویت در دوران آغازین زندگی و سال‌های اولیه زندگی و اولین دوره رسمی آموزش و پرورش، یعنی دوره پیش‌دبستانی، شکل می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: تربیت، حقوق کودک، هویت، خودشناسی.

مقدمه

محیط اولیه زندگی کودکان عامل مهم شکل‌گیری هویت، شخصیت و خودپنداره آن‌هاست. خودپنداره و تصویری که فرد از خودش دارد، تحت تأثیر عوامل مختلفی مثل جو و فضای خانوادگی، ارتباط با همسالان، بازی، رسانه، الگوها و افرادی که بچه‌ها با آن‌ها همانندسازی می‌کنند، اسطوره‌ها و... شکل می‌گیرد و بر رفتار و ارتباط متقابل آن‌ها با دیگران و محیط پیرامون در تمام عمر تأثیر می‌گذارد [۱]. با توجه به اهمیت تعلیم و تربیت در سال‌های آغاز تولد و اوان کودکی، به‌عنوان دوران طلایی تربیت و شکل‌گیری هویت، لازم است توجه داشته باشیم که اقدامات و فعالیت‌های کوچک تربیتی در دوره پیش از دبستان، بر سراسر عمر فرد و جامعه تأثیرات بزرگ تربیتی دارد [۲].

مواد و روشها

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی است که با استفاده از روش پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوای استقرایی انجام گردیده است. در این مطالعه برای استخراج و تدوین مطالب از روش سه سو سازی استفاده گردید، یعنی مطالعه با بهره‌گیری از پژوهشهای مربوط و مبانی نظری انجام شد. این روش تحقیق از نوع روش تحقیق نظری است که با روش تحلیل محتوا و با رویکرد کیفی انجام گرفته است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، فیشهای برداشت شده از کتب گوناگون و از طریق مطالعه کتابخانه‌ای بوده است. قلمرو تحقیق، کلیه منابع اصلی و دست اول و همچنین منابعی بوده است که دیگران به صورت نقد در خصوص آنها تدوین نموده و به زبان‌های انگلیسی و فارسی بوده است. در این مورد محقق به سراغ منابع اولیه و وکتاب‌ها، آثار و نوشته‌های دست‌اولی که به طور مستقیم و غیر مستقیم به موضوع اشاره نموده رفته است. بر اساس تحلیل منابع، یافته‌های پژوهش را ارائه داده است و در نهایت این یافته‌ها را مورد بحث قرار داده است. شیوه انتخاب منابع که مبنای تحلیل قرار گرفته است، عمدتاً اصالت منبع، موثق بودن و مرجعیت نویسنده یا نویسندگان بوده است. همچنین قابلیت دسترسی به منابع نیز وجهه نظر قرار گرفته است و در پایان به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بحث می‌پردازیم.

مبانی نظری

اهمیت کودک و دوران کودکی

امروزه درباره کودک و اهمیت دوران کودکی تحقیقات زیادی به عمل آمده است و روان‌شناسان و پژوهشگران تعلیم و تربیت، در این زمینه توجه فراوانی مبذول داشته و درباره رشد جسمانی و روانی کودک مطالعات زیادی انجام داده‌اند. آنان نقش تجارب کودکی را برای کسب شخصیت سالم در مراحل مختلف رشد و بخصوص بزرگسالی، مهم می‌دانند. اما در گذشته و بخصوص در عصر جاهلیت هم‌عصر نزول قرآن، چنین دیدگاهی حاکم نبود. این دیدگاه و نگرش غلط به کودک در بین دیگر اقوام و ملل نیز وجود داشت تا آنجا که حتی در بین برخی از اقوام، کشتن کودکان را حق قانونی والدین می‌دانستند [۳]. در لسان حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه اطهار علیهم‌السلام، کودک بسان یک انسان و آفریده خدا، جایگاه ویژه‌ای دارد و باید مورد تکریم و محبت قرار گیرد تا بتواند انسان صالح و سازنده‌ای برای خانواده و جامعه خود باشد. پیامبر رحمت صلی‌الله‌علیه‌وآله در جامعه‌ای که بر خوردهایی ناشایست و ناپسند با کودکان می‌شد، به روشنگری و هدایت اندیشه‌ها پرداخت و کودک و به ویژه فرزند صالح را ستود [۴].

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در جایی فرمود: «هر درختی میوه‌ای دارد و میوه دل، فرزند است». [۵] همچنین آن حضرت، داشتن فرزند صالح و نیکوکار را از سعادت و خوشبختی مرد می‌دانستند [۶] و او را به گل توصیف می‌کردند [۷] پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرزند صالح را «ریحانه» ای معرفی کرده است که خداوند آن را به بندگان عطا می‌فرماید [۸] «ریحان» در لغت به معنای بوییدنی و چیزی است که بوی خوش داشته باشد یا به معنای رزق و روزی و رحمت است و در اثر اطلاق به رزق، به فرزند، «ریحان» گفته شده است [۹] همچنین از این‌رو فرزند به ریحان تشبیه شده است که او را می‌بویند و به خود می‌چسبانند، آنچنان که گیاه ریحان را می‌بویند و غم و اندوه را به وسیله آن از بین می‌برند [۱۰] نیز رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «فرزندان، نور دیدگان و جگر گوشه‌های ما و خردسالان‌شان، فرمان‌روایان ما هستند [۱۱] همچنین ایشان، بوی فرزند را از بوی بهشت دانسته [۱۲] و فرموده‌اند: خانه‌ای که در آن کودک نباشد، برکت

ندارد [۱۳] علی‌رغم آنکه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرزندی، به ویژه فرزند صالح را ستوده و داشتن آن را مایه سعادت و خوشبختی آدمی دانسته‌اند، در برخی روایات، فرزند، از موجبات دل‌بستگی و حب به دنیا معرفی شده است. در این زمینه، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده است: فرزندان، میوه دل و نور دیدگان والدین‌اند، ولی با این حال، موجب ترس و بخل و حزن و اندوه آنانند [۱۴]

فرزند سبب ترس پدر نسبت به شرکت در جهاد و انفاق و بخشش مال می‌شود و شیفتگی و حب به مال و دنیا را به دنبال دارد. همچنین فرزند، آدمی را به بخل وامی‌دارد و او را به سوی آن می‌خواند و در بخشش آن نیز تنگ‌چشمی و خست می‌ورزند. همچنین علاوه بر مال، داشتن فرزند، حب به بقا را نیز به دنبال دارد. [۱۵] از این‌رو رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله داشتن فرزند را وسیله آزمایش والدین دانسته است. [۱۶] تا خداوند بندگان را بیازماید که با وجود داشتن فرزندان و حب به آنان، تا چه حد نسبت به انجام وظایف و تکالیف دینی خود پایبندند و تا چه حد از دل‌بستگی به دنیا دوری می‌گزینند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در برخورد و رفتار با کودکان، اصولی را بیان داشته و در عمل نیز بدان‌ها پایبند بودند، اصول و معیارهایی که با عمل بدان‌ها، زمینه تربیت دینی و صالح و نیکوکار شدن فرزندان فراهم می‌گردد. همچنین رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در راه تربیت و پرورش کودک، وظایف و تکالیفی را برای والدین مقرر داشته و خود نیز در زندگی شخصی بدان‌ها عمل می‌کردند [۱۷].

آغاز تربیت

۱. پیش از تولد

از نگاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، تربیت و پرورش کودک، پیش از انعقاد نطفه آغاز می‌شود. توصیه‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به مردان مبنی بر انتخاب همسر نیکو و صالح و حتی اشاره به ویژگی‌های جسمی و روحی زن، بیانگر این معناست. آن حضرت فرمود: «دقت کن و ببین نطفه خود را در کجا قرار می‌دهی، زیرا خلیقات از خانواده به فرزند می‌رسد.» [۱۸] بر شما باد که از ازدواج با زنان کم‌فهم و نادان پرهیز کنید، زیرا زندگی با آنان دردسر، و فرزندان‌شان ضایع و تباه می‌شوند [۱۹] همچنین توصیه‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به دعا و ذکر پیش از انعقاد نطفه، بیانگر تأثیر دعا و حالات معنوی و روحی پدر و مادر در انعقاد نطفه است [۲۰]

۲. دوران جنینی

امروزه بیش از گذشته، دوران جنینی و تأثیر تغذیه و حالات و روحيات مادر بر جنین مورد توجه قرار گرفته است. از نظر روان‌شناسان و پزشکان، آرامش یا اضطراب مادر در دوران بارداری و نوع تغذیه و سلامت و حتی حالات روحی و روانی مادر، مستقیماً بر سلامت جسمی و روحی جنین اثرگذار است.

به لحاظ روان‌شناسی، علی‌رغم عدم ارتباط مستقیم دستگاه عصبی جنین با مادر، حالت‌های هیجانی مادر از قبیل خشم، ترس و اضطراب می‌تواند در عکس‌العمل‌ها و رشد جنین تأثیر بگذارد، زیرا این حالت‌ها، مواد شیمیایی ایجاد می‌کند که می‌تواند از طریق جفت وارد بدن جنین شود. همچنین ترشح برخی هورمون‌ها باعث تغییر در سوخت و ساز بدن و ترکیبات خون می‌شود و از طریق جفت در جنین اثر می‌گذارد و حرکات جنین را افزایش می‌دهد [۲۱] توصیه‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و دیگر پیشوایان دینی مبنی بر توجه و مهرورزی به مادران باردار و حمایت عاطفی از آنان به وسیله همسر، در راستای توجه به همین امر است.

از دیگر موارد، اهمیت تغذیه مادران باردار است که مورد توجه پزشکان و دانشمندان قرار گرفته است. در سخنان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نشانه‌هایی از توجه آن حضرت به این مطلب به چشم می‌خورد. توصیه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مبنی بر دادن به، کندر و خرما به زنان باردار و تأثیر آن در خلق و خو و ظاهر فرزند، از جمله این موارد است. [۲۲]

۳. دوران نوزادی

این دوران که حدود یکی دو هفته نخست اول زندگی را شامل می‌شود، [۲۳] مورد توجه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله قرار گرفته است. از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره تولد نوزاد، آداب و سننی نقل شده است که غالباً تا امروز نیز ادامه دارد و خانواده‌ها خود را ملزم به رعایت آنها می‌دانند. در ذیل به مهم‌ترین این آداب و سنن اشاره می‌شود:

الف. گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد: روایت شده است که وقتی حسن علیه‌السلام متولد شد، رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله به اسماء بنت عمیس فرمود: ای اسماء، فرزندانم را بیاور. اسماء او را به حضور پیامبر برد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نوزاد را در آغوش گرفت و در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه خواند، چنان‌که در مورد حسین علیه‌السلام نیز چنین کرد [۲۴] بر اساس برخی روایات، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله علاوه بر اذان و اقامه، فاتحه‌الکتاب، آیه‌الکرسی، سوره «خلاص»، معوذتین و آیات آخر سوره «حشر» را نیز در گوش حسنین علیهما‌السلام خوانده است. [۲۵]

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در بیان علت این سنت پسنیدیده، به علی علیه‌السلام فرموده است: یا علی، چون فرزندی نصیب تو شد، در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بگو تا هرگز شیطان به او آسیبی نرساند. [۲۶] همچنین در مقامی دیگر، فرمود: اگر زن یا یکی از اعضای خانواده‌ات، بدخلق شد، در گوش‌های او اذان بخوان. [۲۷] از این روایات برداشت می‌شود که گفتن اذان و یا هر ذکر و دعای دیگر در گوش آدمی، در آرامش درونی انسان و در امان ماندن از شیطان بی‌تأثیر نیست.

این سنت پسنیدیده موجب می‌شود که انسان از بدو تولد، با شعار اسلام آشنا شود، چنان‌که به هنگام مرگ نیز با این کلام (شهادتین) دنیا را وداع می‌گوید. قطعاً آنچه گوش می‌شنود، در اعماق جان و روح آدمی اثر می‌گذارد.

ب. عقیقه و صدقه: عقیقه از مصدر «عق» به معنای شکافتن و جدا کردن است. عقیقه، قربانی‌ای است که در هنگام تولد نوزاد ذبح می‌شود. از این رو، به این قربانی، «عقیقه» گفته‌اند، زیرا حلقومش را می‌شکافند و جدا می‌سازند. [۲۸] نقل شده است که وقتی امام حسن علیه‌السلام به دنیا آمد، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دو قوچ ابلق برای او عقیقه کرد. یک ران از آن را با یک اشرفی، به قابله امام علیه‌السلام عطا کرد و برای همسایگانش نیز از گوشت آن قربانی فرستاد. سپس سر حسن علیه‌السلام را تراشید و به وزن موی سرش، نقره صدقه داد و سرش را معطر کرد و بوسید. درباره امام حسین علیه‌السلام نیز چنین مراسمی را انجام داد. [۲۹] علی علیه‌السلام در این زمینه فرموده است: برای نوزاد خود در روز هفتم، عقیقه کنید و به وزن موی سرش به مسلمانان صدقه بدهید، چنان‌که رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله برای حسین علیه‌السلام و دیگر فرزندان چینی می‌کرد. [۳۰]

بدون شک، انجام مراسمی همچون عقیقه و ولیمه برای تولد نوزاد، موجب تکریم و احترام به او و حتی مادرش می‌شود و نشان از شادمانی و خرسندی پدر از تولد نوزاد دارد. این خرسندی تا بدان حد است که پدر به میمنت تولد نوزاد خود، مجلس مهمانی برگزار می‌کند. روشن است که اگر این موارد در راه کمک به نیازمندان باشد از ارزش بیشتری برخوردار است.

ج. نام‌گذاری نیکو: از جمله مواردی که مورد توجه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله قرار گرفته، نام نهادن کودک است، چنان‌که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در روز هفتم ولادت حسنین علیهما‌السلام، پس از عقیقه و صدقه دادن برای آن دو نوزاد، درباره نام‌گذاری آنان، با علی علیه‌السلام گفت‌وگو کرد [۱]

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نام نیکو نهادن بر فرزند را از جمله حقوق مسلم فرزند بر پدرش معرفی کرده و فرموده است: «حق فرزند بر پدر، آن است که نام خوبی برایش انتخاب و او را نیکو تربیت کند». [۲] از نگاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نخستین چیزی که مرد به فرزندش می‌بخشد، نام است، پس باید او را نام نیک نهاد [۳] همچنین رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله یکی از راه‌های تحقق محبت و احترام و به دست آوردن دل‌های دیگران را کنیه‌ها و نام‌های نیک می‌دانست [۴] و دوست نداشت که مردم، یکدیگر را به نام‌های بد صدا زنند. از این رو، آن حضرت نسبت به نام‌گذاری کودکان، حساسیت فراوانی داشت و در این زمینه به تغییر و جایگزینی اقدام می‌کرد. از آن رو که نام‌های افراد و گروه‌ها، تا حدی نماد باورها و گرایش‌های آنان است، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تأکید داشت، نام‌ها و اسامی کودکان، رنگ و بویی از سنت‌ها و آداب غلط جاهلی نداشته باشد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با ردّ برخی اسامی ناپسند، به معرفی نام‌های نیکو پرداخت. اعراب جاهلی، فرزندان خود را به الفاظ و اسامی‌ای نام‌گذاری می‌کردند که نشان از پرستش بتان داشت. حتی آنان در نام‌گذاری کودکان، از اسامی برخی حیوانات استفاده

می‌کردند و چون اهل جنگ و غارت بودند، نام فرزندان خود را به نام‌هایی همچون حرب و... که نماد جنگ و درگیری بود، می‌نامیدند تا بدین وسیله، دشمنان را بترسانند و رعب و وحشت در دل آنان ایجاد کنند و یا نام پادشاهان و ملوک را بر فرزندان خود می‌نهادند [۵]. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در تعالیم خود، به ردّ این اسامی پرداخت و نام‌گذاری نیکوی فرزندان را وظیفه والدین معرفی کرد [۶].

تأکید پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بر حذف نام‌های بد و جایگزین کردن نام‌های نیک و پسندیده برای کودکان و بزرگان که به ظاهر امر ساده‌ای به نظر می‌رسد، نوعی تکریم و بزرگداشت انسان است. بدون شک، نام نیکو و بافضیلت تأثیرات مثبتی بر روان کودک می‌گذارد و برای او نیکی و زیبایی را الهام می‌بخشد و احساس رضایت و اعتماد به نفس را به ارمغان می‌آورد. بعکس، نام‌های ناخوشایند و ناپسند یا بی‌معنی، موجب حقارت و رنج کودک را فراهم می‌کند [۷].

د. تغذیه با شیر مادر: اهمیت تغذیه کودک با شیر مادر و نیز تأثیرات حالات روحی و معنوی مادر بر نوزاد در دوران شیردهی، از امور بسیار مهمی است که بخصوص در دهه اخیر، مورد توجه پزشکان و روان‌شناسان قرار گرفته است. پیش از آنکه علوم جدید پرده از اسرار و تأثیرات شیر مادر بردارد، قرآن و پیشوایان دینی به این مطلب توجه داشته‌اند [۸].

حتی پیش از بعثت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ظهور اسلام، مسئله شیر مادر در بین عرب، از شأن و جایگاه والایی برخوردار بود. از آن‌رو که این امر در تربیت و خلق و خوی کودک تأثیرگذار است، اعراب تأکید داشتند که خود مادر به فرزندش شیر دهد و اگر مادر عذری داشت، افراد فامیل یا افراد سالمی که دارای خانواده‌ای اصیل بودند، برای شیردهی انتخاب می‌شدند. اعراب در انتخاب دایه برای شیردهی دقت و توجه زیادی مصروف می‌داشتند [۹] و در از شیر گرفتن اطفال خود تعجیل نمی‌کردند. مدت زمان شیردادن که در بین عرب متعارف بوده بیش از بیست ماه گزارش شده است [۱۰].

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله باورها و سنن رایج عرب را که مطابق با عواطف و فطرت انسانی و تأثیرگذار بر جنبه‌های روانی و روحی شخصیت او بود، تأیید می‌کرد. از این‌رو، در توصیه‌های تربیتی آن حضرت، اهمیت شیر مادر مورد توجه واقع شده است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده است: «هیچ غذایی برای کودک بهتر از شیر مادرش نیست» [۱۱]. همچنین آن حضرت شیر را موجب تغییر طبع و خلق و خوی کودک دانسته است. [۱۲] به همین دلیل، در سخنان ایشان ویژگی‌هایی برای مادران شیرده ذکر شده است [۱۳].

امروزه به دلیل حضور اجتماعی زنان و اشتغال مادران، بسیاری از نوزادان، در ساعاتی از روز از شیر مادر و آغوش گرم او محروم می‌مانند. جدایی کودک از مادر در طی ساعات طولانی - به ویژه در دوران شیرخوارگی - صدمات زیادی را به لحاظ روحی و روانی بر کودک وارد می‌آورد. نامناسب بودن شرایط مهدهای کودک و عدم آگاهی و کارآزمودگی مربیان این قبیل مراکز، صدمات مزبور را دوجندان می‌کند. از این‌رو، با دادن آگاهی لازم به مادران مبنی بر اهمیت دوران شیرخوارگی و کودکی، باید انگیزه و زمینه‌های کافی و حمایت‌های مناسب را فراهم آورد تا آنان بتوانند با آرامش در این دوران حساس در کنار فرزندان خود باشند و به مراقبت و پرورش آنان بپردازند و در عین حال، امنیت شغلی آنان نیز حفظ گردد [۱۴].

دادن مزدگانی به هنگام شنیدن خبر تولد نوزاد به منظور تکریم او و مادرش [۱۵] اختتام نوزادان در روزهای نخست [۱۶] و نیز تحنیک، یعنی نرم کردن خرما و مالیدن آن در دهان نوزاد به وسیله افراد باتقوا و صالح، [۱۷] از دیگر آداب و سنن تولد نوزاد است که مورد توجه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بوده است.

۴. هفت سال اول زندگی

در روایات منقول از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و پیشوایان دینی، تقسیم‌بندی‌هایی از مراحل رشد، و ویژگی‌های هر مرحله به چشم می‌خورد. رسول رحمت صلی‌الله‌علیه‌وآله در این زمینه فرموده است: «الولدُ سیدٌ سبع سنین، و خادمٌ سبع سنین، و وزیرٌ سبع سنین...»، فرزند هفت سال آقا است، هفت سال خدمتگزار و مطیع، و هفت سال وزیر و مشاور. [۱۸] پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با توجه به اهمیت هفت سال نخست زندگی، در رشد و تکوین آدمی این دوره را دوره «سیادت و سروری» دانسته است.

واژه «سید» به معنای سرور، بزرگ، مهتر و آقا است. (حسن عمید، فرهنگ عمید، ذیل واژه «سید») کاربرد این واژه درباره دوره کودکی اول، حکایت از آن دارد که کودک در این دوره، باید به اندازه کافی مورد توجه و احترام خانواده و دیگران قرار گیرد و در حکم آقا و سروری باشد که مورد تکریم است و اهانت و تحقیری متوجه او نیست. در این دوره نه تنها نباید با او آمرانه و تحکم‌آمیز برخورد کرد، بلکه او خود امر می‌کند. در تأیید این سخن، کلام دیگری از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است که حضرت می‌فرماید: فرزندان ماجرگوشه‌های ما هستند، خردسالانشان فرمان‌روایان مایند [۱۹] همچنین در برخی از روایات، به یکی دیگر از ویژگی‌های این دوره، یعنی بازی کردن، اشاره شده است. از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و همچنین امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که فرزند خود را هفت سال آزاد بگذار تا بازی کند و در هفت سال دوم به تربیت و ادب کردن او اقدام کن [۲۰]

این روایت به روشنی، با ویژگی‌های مراحل رشد، که در روان‌شناسی بدان اشاره شده است، تطبیق دارد. روان‌شناسان آزادی و بازی را از ویژگی‌های مهم این دوره معرفی می‌کنند و معتقدند در این دوره هر قدر به کودک در فعالیت‌ها و تلاش‌های کنجکاوانه آزادی بیشتری داده شود، به قوه ابتکار و خلاقیت او افزوده می‌شود [۲۱] مفهوم آزادی در این دوره آن است که نباید کودک را زیر فشار قرار دهند و کاری را به او محول کنند که در وسع و توان او نباشد. نیز نباید مقهور و مورد خشم و غضب والدین و اطرافیان قرار گیرد. البته این سخن به این معنا نیست که کودک کاملاً رها باشد و به هر کاری دست بزند و غیرمستقیم تحت کنترل نباشد [۲۲]

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در کلام دیگری به تأیید این اصل پرداخته و فرموده است: خدا رحمت کند کسی را که فرزندش را بر انجام کار نیک یاری دهد. سؤال شد که والدین چگونه این کار را انجام دهند؟ حضرت فرمود: آنچه را در حد توانایی‌اش انجام می‌دهد، بپذیرند (بیش از توانمندی وی از او انتظار نداشته باشند) و از آنچه برای کودک دشوار است، صرف‌نظر کنند [۲۳]

۵. هفت سال دوم زندگی

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله این دوره را، دوره خدمتگزاری و تسلیم بودن کودکان معرفی کرده است. اطاعت، فرمان‌برداری، حرف‌شنوی و تعلیم و تأدیب کودک از ویژگی‌های این دوره به شمار می‌رود. کودک در این دوره، مطیع پدر و مادر می‌شود و خود را بیشتر در اختیار آنان قرار می‌دهد، در حالی که دوره قبل را با بازی و بازیگوشی، سپری می‌کرد و محور خانه به شمار می‌رفت. او در این دوره با توجه به رشدی که پیدا می‌کند، روحیه اطاعت‌پذیری‌اش بیشتر می‌شود. به همین دلیل، در این دوره بهترین فرصت، هم برای تعلیم (آموزش) و هم تأدیب (آموزش مستقیم ارزش‌ها و پرهیز دادن از ضد ارزش‌ها) فراهم می‌آید، زیرا کودک در این دوره، نه حالت بازیگوشی دوره اول را دارد و نه مشکلات دوره سوم را که دوره بلوغ و نوجوانی است [۲۴]

۶. هفت سال سوم

این دوره در سخنان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دوره مشورت، همراهی و همراهی بین والدین و فرزند است. به فرزند در این دوره، عنوان «وزیر» داده شده است. وزیر در لغت از ریشه «وَزَرَ» مشتق شده است که به معنای پناهگاه و یا کوهی است که بدان پناه می‌برند تا از هلاکت نجات یابند. بنابراین، وزیر خلیفه کسی است که به رأی و نظر او در کارها، تکیه شود و یا به او پناه برده شود و وزیر پادشاه کسی است که «وَزَرَ» و سنگینی و دشواری تدبیر امور مملکت را از دوش پادشاه برمی‌دارد [۲۵] بنابراین، اگر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرزند را در هفت سال سوم زندگی، یعنی از چهارده تا بیست و یک سالگی، وزیر نسبت داده است، از این‌روست که باید در تدبیر کارها و امور، مورد تکیه و مشورت قرار گیرد. او در این سن به مرحله‌ای از رشد رسیده است که می‌تواند بخشی از دشواری‌ها و سنگینی‌های اداره امور مربوط به خانواده را از دوش والدین و حتی دیگران بردارد. بنابراین، نوع نگرش والدین و اطرافیان نسبت به نوجوانان و تأیید او در این دوره از اهمیت بسیاری برخوردار است، زیرا ویژگی این دوره، «احساس هویت در برابر گم‌گشتگی نقش» است و نوجوانان در حال رشد و پیشرفت که به زودی با وظایف ملموس مربوط به بزرگسالان روبه‌رو خواهند شد، نگران این هستند که در مقایسه با احساسی که از خود دارند، در چشم دیگران چگونه به نظر می‌رسند. [۲۶]

موانع اخلاقی در تربیت کودکان

برای تربیت اخلاقی کودکان به منظور تحقق سبک زندگی اسلامی موانعی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. عیب‌جویی از دیگران

یکی از موانع اخلاقی در تربیت کودکان برای رسیدن به سبک زندگی اسلامی و تحقق زندگی اصیل اسلامی، عیب‌جویی از دیگران است. در این خصوص روایتی از امام سجاد(ع) نقل شده است که فرموده‌اند: «به جای عیب‌جویی و بازگویی عیب دیگران، سعی کنید عیب‌های خود را برطرف نمایید. در این صورت است که مصون از آسیب‌ها و آفت‌ها خواهیم بود». فردی که از کودکی به عیب‌جویی دیگران می‌پردازد و والدین و مربیان او را از این کار منع نمی‌کنند، نمی‌توانند بر مبنای سبک زندگی اسلامی پرورش یابند [۲۷].

۲. دروغ

ریشه بسیاری از آسیب‌ها دروغ است. در این خصوص روایات بسیاری از اهل بیت (ع) بزرگوار ذکر شده است. امام علی(ع) فرموده‌اند: «دروغ، چه شوخی باشد چه جدی شایسته نیست و سزاوار نیست یکی از شما به بچه‌اش وعده‌ای بدهد که بعداً بدان وفا نمی‌کند، زیرا دروغ به فساد می‌کشد و فساد به سوی آتش و مادام که یکی از شما دروغ گوید، گویند دروغ گفت و معصیت کرد». از جمله امام سجاد(ع) در روایتی فرموده‌اند: «از دروغ کوچک و بزرگش، جدی و شوخی بپرهیزید، زیرا انسان هرگاه در چیز کوچک دروغ بگوید، به گفتن دروغ بزرگ نیز جرئت پیدا می‌کند». والدینی که در مقابل دروغ کودکان هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌دهند و یا خود مشوق دروغ‌گویی کودکان هستند ناخواسته زمینه را برای گناه و فساد او در بزرگسالی فراهم می‌کنند [۲۸].

۳. حسد

یکی از پیامدهای حسد این است که حسنات را ضایع می‌کند. امام هادی(ع) فرموده‌اند: «حسد، کارهای خوب را از بین می‌برد و دروغ، دشمنی می‌آورد». حسادت در کودکان به مرور، آنها را به انسان‌هایی بیمار مبدل می‌سازد و در زندگی با مشکلات بسیاری مواجه می‌سازد [۲۹].

۴. همنشینی با افراد شرور

اهل بیت(ع) در خصوص لزوم احتیاط در معاشرت و همنشینی با افراد تأکید زیادی کرده‌اند. امام هادی(ع) در این خصوص فرموده‌اند: «همنشینی و معاشرت با افراد شرور، نشانه پستی و شرارت تو خواهد بود» [۳۰]. اگر مراقب معاشرت کودکان نباشیم که با چه افرادی معاشرت می‌کنند و همنشین هستند، ممکن است با افراد ناباب معاشرت کنند و به مرور، جذب گروه‌های منحرف شوند و زندگی خود و اطرافیان و جامعه را با مشکل و بحران مواجه سازند.

۵. انضباط‌های سختگیرانه

انضباط‌های سختگیرانه و خشن، مانع رشد اخلاقی کودکان می‌شود. فرزندی که در چنین خانواده‌هایی رشد کرده‌اند، زمینه‌های خلاقیت در آنها کمرنگ شده و همواره در تصمیم‌گیری مردد هستند. آنها اغلب، افرادی بی‌اراده بار آمده و در نتیجه، کرامت انسانی آنها مخدوش می‌گردد. امام باقر(ع) نیز تجاوز از حد را در امورات حتی نیکی کردن، جایز نمی‌داند و می‌فرماید: «بدترین پدران کسانی هستند که در احسان به فرزندان از حد تجاوز نمایند». [۱]

جایگاه حقوق کودک

تعریف و تبیین مسایل و مشکلات اجتماعی مبتلا به کودکان و حل مشکلات و احقاق حقوق آنان در درجه نخست به مسئله تعریف کودک، دوران کودکی ایده آل و ارزش‌های موجود در این حوزه و حقوق و جایگاه کودک در جامعه بستگی دارد. کودک یا صغیر در اصطلاح حقوقی به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد [۲].

در جهان معاصر، احترام به حقوق کودک، اندیشه ای اساسی در تربیت آنان و حمایت و مساعدت همه جانبه در رشد فکری و سلامت روحی و روانی آنان به شمار می رود [۳]. بررسی وضعیت نوجوانان یا جوانان بزهکار نشان داده که در اکثر موارد، حقوق آنان در ایام کودکی تضییع شده یا بنا بر شرایطی یکی از شکنجه های روحی و روانی را مشاهده کرده اند. [۴]. در عصر حاضر، امور تربیت و اصلاح از سوی مراجع قضایی و سایر نهادهای حمایتی و با عنوان یک حق برای کودکان مورد نظر و اهمیت است.

امروزه مجامع قضایی قبل از اینکه تکلیف به رسیدگی در جرایم کودکان و نوجوانان کجرو اجتماعی و بزهکار داشته باشند، بیش از همه به شخصیت یک کودک و نقش تربیتی آنان توجه دارند [۶]. نگاه تحول گرایانه قوانین و مقررات در جوامع بین المللی و تفسیر موسع آن به نفع احقاق حقوق کودک این نوید را می دهد که هدف، همسو شدن افکار جهانی برای جلوگیری از آسیب ها و لطماتی است که کودکان را از رسیدن به حقوق واقعی و قانونی آنان باز می دارد. کودکان در روند رشد و بلوغ و پس از آن برای ورود به جامعه دارای نیازهای اساسی هستند که چنانچه در دوران کودکی مورد توجه واقع نشود، چه بسا خسارت های جبران ناپذیری بر جامعه تحمیل خواهد کرد. در این میان، حقوق کودک نه تنها به عنوان یک تکلیف بر عهده والدین است [۵]، بلکه جامعه (قدرت عمومی) نیز باید با توسعه سیستم های حمایتی و نظارتی نسبت به احقاق حقوق کودکان به عنوان آسیب پذیرترین اقشار جامعه از آن دفاع نماید و برنامه ریزی هدفداری را به منظور رسیدن به هدف های برتر مورد توجه قرار دهد.

برده داری، بهره کشی به اشکال مختلف، تجاوز، آسیب های روانی و جسمی و محرومیت از آموزش، بخشی از تضییع حقوق کودکان است. با ظهور مکاتب جهانی و پیشرفت روز افزون حقوق فردی و اجتماعی و نیز ارتقای آگاهی های عمومی و توسعه دولت ها و وظایف ذاتی حکومت به عنوان دفاع از منافع و مصالح عمومی، باید تلاش بیشتری صورت گیرد تا بستر مناسب جهت احقاق حقوق کودک یا جلوگیری از پایمال نمودن آن در جوامع فراهم شود [۷].

حقوق کودکان

۱. والدین، مسئول اصلی رعایت حقوق کودک

در کنوانسیون حقوق کودک، بیشترین مسئولیت در رعایت حقوق کودک بر دوش والدین نهاده شده است، چنان که در ماده ۱۸، کشورهای طرف کنوانسیون متعهد شده اند: «بیشترین تلاش خود را برای تضمین به رسمیت شناختن این اصل که پدر و مادر کودک، مسئولیت مشترکی در زمینه رشد و پیشرفت کودک دارند، به عمل آورند. والدین یا قیم قانونی، مسئولیت عمده را در رشد و پیشرفت کودک به عهده دارند و اساسی ترین مسئله آنان، (حفظ) منافع عالی کودک است [۷]. در آموزه های آسمانی اسلام نیز بیشترین مسئولیت در قبال کودک، بر دوش والدین است که به آن «حق الوالد علی الوالد» می گویند، چرا که کودک، برکت خانه و نعمت و حسنه ای است که خداوند به پدر و مادر ارزانی کرده است. از این رو، قدر و جایگاه آن را باید بدانیم و به وظایف خود در برخورد با این نعمت الهی عمل کنیم در غیر این صورت، عاقبت فرزندان خواهیم بود.

۲. اسلام و سفارش به رعایت حقوق کودکان

در آموزه های آسمانی اسلام، همه کودکان از دختر و پسر، حقوق و مزایای معینی دارند و همگان از اعمال هرگونه خشونت و بی رحمی در حق آنان باز داشته شده اند. این در حالی است که پیش از اسلام، میان اعراب و دیگر اقوام، کودکان در وضع نامناسبی قرار داشتند و از کمترین حقوق عادی نیز بهره مند نبودند. آنان با هر بهانه کوچکی از جمله رهایی از فقر و هزینه زندگی، آن ها را از میان بر می داشتند. در این میان، شرایط دختران بسیار دردناک تر بود. بزرگان عرب و افراد سرشناس، داشتن دختر را برای خود ننگ و عار می دانستند. آنها را زنده به گور می کردند، چنان که خداوند در قرآن می فرماید: «و هرگاه یکی از آنان را به دختر مرده دهند، چهره اش سیاه می شود، در حالی که خشم [او اندوه] خود را فرو می خورد و از بدی آنچه بدو بشارت داده شده، از قبیله [خود] روی می پوشانند که آیا او را با خواری نگاه دارد، یا در خاک پنهانش کند؟ و چه بد دآوری می کنند. (نحل: ۵۸ و ۵۹) [۸]

اسلام با آمدن خود، در قالب تعبیرهای زیبا در این مورد، نه تنها مردم را از آن عادت‌های زشت باز داشت، بلکه ارزش کودکان را در جامعه افزایش داد و از پدران و مادران خواست که به بهانه‌های واهی فرزندان خود را نکشند و با آنها دل‌سوز باشند، آنجا که در قرآن آمده است: «و از بیم تنگ دستی فرزندان خود را نکشید، ماییم که به آنها و شما روزی می‌بخشیم. آری، کشتن آنان همواره خطایی بزرگ است». (اسراء: ۳۱) همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «از ما نیست، کسی که به خردسالان رحم نکند».[۹]

نکته قابل توجه این است که این حمایت‌ها از حقوق کودکان، زمانی مطرح شد که هیچ نهاد، سازمان یا کنوانسیون بین‌المللی برای دفاع از حقوق کودکان وجود نداشته است و اسلام با در نظر گرفتن همه نیازهای اولیه جسمی، روحی و روانی کودکان و دفاع از آنان، زمینه را برای رشد و پیشرفت کودکان در همه جوانب فراهم آورده است.

۳. انتخاب نام نیکو

بنا بر بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون حقوق کودک: «تولد کودک، بلافاصله پس از تولد وی باید ثبت شود و از حقوقی مانند داشتن نام، کسب تابعیت و در صورت امکان، شناسایی والدین بهره‌مند باشد». در اسلام نیز یکی از نخستین وظایفی که بر عهده والدین، پس از تولد نوزاد نهاده شده، انتخاب نام نیکو و مناسب برای کودک است. امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرماید: «نخستین امری که پدر از آن راه به فرزندش احسان و نیکی می‌کند، انتخاب نام نیکوست. پس هر یک از شما برای فرزند خود نام نیکو قرار دهید»[۱۰] همچنین رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «حق فرزند بر والدین، آن است که نام او را نیکو انتخاب کند»[۱۱].

در واقع، انتخاب نام نیکو برای فرزند، در اسلام نوعی احسان و نیکی خوانده می‌شود که والدین به او روا می‌دارند، چرا که هم بخشی از نیازهای روحی و روانی کودک برآورده می‌شود و به او شخصیت و اعتبار می‌بخشد و هم او را از توهین و استهزای دیگران در حق وی دور می‌کند. از نگاه اسلام، نام زیبا و نیک حتی می‌تواند، برای کودک امنیت و آسایش روانی پدید آورد. چنانچه در روایت است: وقتی امام صادق علیه السلام شنید کسی نام فرزند خود را محمد نهاده است، فرمود: «به کودک خود دشنام مده، او را کتک زن و به او بدی نکن»[۱۲]

۴. تأمین خوراک و تغذیه مناسب برای کودک

بهره‌مندی از تغذیه و خوراک مناسب، از حقوق مسلم کودک و برطرف کننده نیاز جسمی اوست. براساس بند «ج» ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک، کشورهای طرف کنوانسیون متعهد شده‌اند: «مبارزه با بیماری‌ها و سوء تغذیه را از راه فراهم کردن مواد غذایی مقوی و آب آشامیدنی سالم دنبال کنند». در اسلام، بنا به فرموده رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله: «هیچ کاری بهتر از سیر کردن شکم گرسنه نیست» و اگر این شکم گرسنه از آن فرزندان و کودکان او باشد، از وظایف و حقوق اوست، چنانچه رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «از حقوق فرزند بر پدر، آن است که جز غذای پاک و خوب به او ندهد»[۱۳]

البته اگر والدین توانایی تأمین مواد غذایی مناسب را نداشته باشند، این وظیفه دینی افراد جامعه است که نیازهای غذایی آنان را تأمین کنند، چنانچه رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر کس سیر بخوابد و همسایه او در کنارش گرسنه باشد و او بداند، به من ایمان ندارد»[۱۴]

۵. حق تحصیل در اسلام

فراگیری دانش یک فریضه است، به گونه‌ای که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به مردم سفارش می‌کند: «از گهواره تا گور دانش بجویند» و آموختن دانش (خواندن و نوشتن) را از جمله حقوق فرزندان بر والدین می‌داند و می‌فرماید: «از جمله حقوق فرزند بر پدر، آموختن نوشتن است»[۱۵].

در واقع، پدر و مادر زمانی فرزند خود را احترام می‌کنند که به او سواد خواندن و نوشتن و آداب معاشرت بیاموزند و از آنجا که شخصیت کودک در مراحل نخستین زندگی، در خانواده شکل می‌گیرد، آموختن دانش (خواندن و نوشتن) به کودکان، بر عهده والدین نهاده شده است تا در ابتدای زندگی، آنها را به سلاح دانش مسلح کنند تا به وسیله آن بر مشکلات آینده چیره

شوند و این، کوچک‌ترین وظیفه‌ای است که از والدین انتظار می‌رود تا در حق فرزند خود روا دارند. امروزه در جهان توسعه یافته، مراحل نخستین سوادآموزی، امری اجباری است و در این راه، گام‌های مؤثری نیز برداشته شده است و در کنوانسیون حقوق کودک، بر اساس بند ماده ۲۸، کشورهای طرف کنوانسیون متعهد شده‌اند: «حق کودک را در قبال آموزش و پرورش به رسمیت بشناسند و برای دستیابی تدریجی به این حق و بر اساس ایجاد فرصت‌های برابر اقدام‌هایی مانند: اجباری و رایگان کردن تحصیلات ابتدایی برای همگان، تشویق شکل‌های گوناگون آموزشی متوسطه و در دسترس قرار دادن آموزش عالی برای همگان براساس توانایی‌ها و به شیوه مناسب را معمول دارند» [۱۷]

۶. حق تفریح و بازی

یک ضرب المثل انگلیسی می‌گوید: «اگر کودکی را همیشه به کار و داری و از بازی و ورزش محروم کنی، عاقبت احمق می‌شود». اگرچه این مثل اغراق آمیز به نظر می‌رسد، واقعیت این است که حرکت و جنبش، اساس هر عمل غریزی و پایه وظایف زندگی است. به ویژه در دوران خردسالی و کودکی که زیربنای بنیه جسمی انسان را پی‌ریزی می‌کند. از این رو، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «باید هفت سال نخست زندگی کودک، آزادانه به بازی و جنبش بدنی صرف شود». در واقع، در مراحل نخستین زندگی، نباید از کودکان انتظار داشت که دنیای سرشار از شادی و نشاط خود را با دنیای بزرگ‌ترها جا به جا کنند، بلکه باید آنها را در بازی و تفریح آزاد گذاشت تا به تندرستی و سلامتی آنها آسیب وارد نشود. حتی بنا به سفارش رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، باید در بازی‌های کودکان نیز آن‌ها را یاری داد، چنان که می‌فرماید: «کسی که کودکی نزد اوست، باید رفتار کودکانه را در پیش گیرد». اسلام، حتی آموزش بازی‌ها و ورزش‌هایی مانند سوارکاری، شنا و تیراندازی به فرزندان را از وظایف والدین می‌داند. در این زمینه، رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «حق فرزند بر پدر آن است که نوشتن، شنا کردن و تیراندازی را به او بیاموزد» [۱۸].

۷. پرهیز از اعمال خشونت جسمی و روحی به کودک

خشونت جسمی و روحی، یکی از عوامل تخریب شخصیت کودکان است. به همین سبب، بنا بر بند ۱ ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک، کشورهای طرف کمیسیون متعهد شده‌اند: «اقدام‌های قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت حمایت از کودک در برابر همه شکل‌های خشونت جسمی و روحی، آسیب‌رسانی و سوءاستفاده به عمل آورند». در دین اسلام نیز به این مهم توجه جدی شده است [۱۹]، چنان که وقتی مردی در حضور امام علی علیه السلام از فرزند خود شکایت کرد، امام علیه السلام فرمود: «او را زن، بلکه از او دوری کن (قهر کن)، ولی نه طولانی» [۲۰]

در واقع، این حدیث بیان می‌کند که اگر تنبیه برای تربیت کودک انجام می‌گیرد، بهتر آن است که این تنبیه، تنبیه بدنی نباشد، بلکه از عواطف کودک استفاده شود، چرا که تنبیه بدنی، زمینه‌ساز مشکلات روحی و عاطفی فراوانی همچون سرخوردگی و تخریب شخصیت کودکان می‌شود، ولی زمانی که از کودک دوری شود، او خود، به مرور به اشتباه خود پی می‌برد. البته این دوری نباید طولانی شود، چرا که ممکن است از یک سو روی عواطف کودک اثر عمیق بگذارد و زمینه‌ساز مشکلات روحی شود و از سوی دیگر، بر اثر طولانی بودن، از تأثیر این ابزار تربیتی کاسته شود. بنابراین، امام علیه السلام پس از دستور دادن به دوری، بی‌درنگ سفارش می‌کند که این فاصله گرفتن والدین، طولانی نشود. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خداوند به هیچ چیز خشم نمی‌گیرد، آن چنان که به خاطر زنان و کودکان خشم می‌گیرد» [۲۱]

۸. احترام به مقام کودک

کودکان مانند هر انسان دیگری دوست دارند، محبوب واقع شوند و به شخصیت آن‌ها احترام گذارده شود. از این رو، رسول خدا صلی الله علیه و آله سفارش می‌کند: «دوست بدارید کودکان خود را و به آنها ترحم و به وعده خود به آنان وفا کنید» [۲۲] همچنین می‌فرماید: «وقتی نام فرزندان را می‌برید، او را گرمی دارید و جای نشستن را برای وی باز کنید و با او ترش رو نباشید» [۲۳] باز می‌فرماید: «اگر کسی فرزند خود را ببوسد، حسنه‌ای برای او نوشته می‌شود» [۲۴]

لزوم تربیت کودک در خردسالی

کودک در خردسالی تربیت پذیری بیشتری دارد، زیرا در این سن، او به راحتی و آسانی فرمانبرداری می کند و سریع تر تحت تأثیر قرار می گیرد و هنوز در او عاداتی که مانع اطاعت او باشد، به وجود نیامده است و نیز اراده ای قوی ندارد تا او را از اطاعت باز دارد. بنابراین اگر کودک خردسال به امری عادت کند، چه خوب چه بد، این عادت به آسانی تغییر نمی یابد. اگر او به روش های نیکو و رفتارهای خوب، انس و عادت پیدا کند، این عادت در او مستمر و بلکه رو به شدت و افزایش خواهد بود و اگر در این دوره او را به حال خود رها کنند و یا او را به بی بند و باری در اموری که طبیعت و سرشت او اقتضای آن را ندارد، عادت دهند و سپس شروع به تربیت و تهذیب او کنند، پس از اینکه این عادات در او راسخ گشت، تغییر آنها در او برای مربی دشوار خواهد بود. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: (وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ)، «هر گاه برگردانده می شدند به آنچه از آن نهی شدند، دوباره به آن دچار می گشتند» [۲۵]

از این ایه چنین استفاده می شود که باید از راه تعلیم و تلقین، افراد را به فضیلت عادت دهیم. بزرگ ترین اشتباه آن است که برخی می گویند باید کودکان را به حال خود وا گذاشت تا آنها آزادانه و بی هیچ قید و بندی پرورش یابند. کسی که در دوران کودکی آزادانه از تمایلات خود پیروی می کرده، در دوران رشد و بزرگسالی نمی تواند تمایلات خود را تعدیل و تنظیم کند، زیرا عاداتی که در دوران کودکی داشته، به صورت ملکه راسخ و پایدار در آمده است. به همین دلیل است که آنچه انسان در دوران خردسالی فرا می گیرد، همچون نقشی می ماند که در سنگ ایجاد شده و به آسانی محو نمی شود [۲۶]

اسلام برای ساختن شخصیت انسانی، به مربیان امر کرده تا به کودکان محبت بورزند، چنان که پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید: «به کودکان محبت بورزید و به آنها ترحم کنید. وقتی به آنان وعده دادید، وفا کنید، زیرا آنها جز اینکه شما را روزی دهنده خود می بینند، تصور دیگری ندارند» [۲۷]

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این حدیث حقوق کودکان را در محبت و ترحم به آنها خلاصه فرموده است. ترحم به هر فردی، متضمن اجرای تمام حقوق و مزایا درباره او است. اسلام برای آنکه توجه مردم را به کودک جلب کند، سختی و مجاهدت مربیان در راه تربیت و رفاه و آسایش و تأمین حوائج کودکانشان را عباد و جهاد در راه خدا می داند. از امام رضا (علیه السلام) روایت شده که مردی به حضور پیامبر اسلام (ص) رسید و عرض کرد: حق این فرزند بر من چیست؟ فرمود: اسم و ادب او را نیکو گردانی و او را در جای شایسته خویش قرار دهی [۲۸]

آزادی دادن به کودک خردسال و تأیید آمریت کودکانه او و اعطای مجال انتقاد به وی معنایش این نیست که او را به اصطلاح لوس و خودکامه بار بیاوریم، بلکه موظفیم بلافاصله پس از هفت سالگی، او را تحت مراقبت قرار دهیم تا رفتار آزادانه و خودسرانه او در مجرای صحیح و معقول و سنجیده ای قرار گیرد و تحرک های او سازمان یابد. فقط در زمانی که مربی از روش محبت و دوستی اثری مشاهده نکند، ناگزیر شدت عمل نشان می دهد، ولی این شدت عمل از نظر اسلام چنان است که به سلامتی کودک صدمه ای نمی زند [۲۹].

پیامبر اسلام در تربیت فرزندان خود، هرگز به تنبیه بدنی متوسل نشد و از هیچ عاملی جز لطف و محبت و مهر و عاطفه بهره نگرفت. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «لا ایمان لمن لا أمانة له، آن که امانت دار نیست، ایمان ندارد» [۳۰] مربیان و معلمان باید بدانند که اولیا، فرزندان خود را به امانت به آنان سپرده اند و هدف آنان نگه داشتن جسم فرزندانشان نیست، بلکه مقصود تربیت و پرورش همه جانبه آنان است. تربیت صحیح ایجاب می کند که کودکان را آن چنان که هستند، پرورش دهند، نه آن گونه که خود تمایل دارند. برخی از پدران و مادران در این راه دچار اشتباه می شوند و با دست کاری در زمینه های فطری کودکان، آن را تغییر می دهند که این خیانت، بزرگ و نابخشودنی است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کودکی با زمینه ای فطری و خداداد متولد می شود و این پدران و مادران و مربیان هستند که آنان را در مسیر های خاص دینی و تربیتی قرار می دهند: «کل مولود یولد علی الفطرة إلا أن أبواه یهودانه أو یمجسانه، هر کودکی با فطرت سالم آفریده می شود و این پدران و مادران هستند که آنان را یهودی یا نصرانی یا مجوسی می گردانند» [۱]

بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می شود که بین یادگیری، بازی، زبان و ارتباط با همسالان، و هویت ارتباط مستقیمی وجود دارد و مبنای سؤالات هویتی که در نوجوانی مطرح می شود، تجارب زیسته کودکان قبل از دوران نوجوانی است. شخصیت و هویت بچه ها از الگوهای پیرامونی و افرادی که در محیط اجتماعی شان حضور دارند، با آن ها همانندسازی می کنند و تحت تأثیر مسائل و چالش هایی که با آن ها مواجه می شوند و ... شکل می گیرد. سبک های فرزندپروری نیز با هویت کودکان رابطه مستقیم دارد. بنابراین، توجه به هویت در دوره پیش دبستان نه تنها زود نیست بلکه به نظر می رسد که دیر هم باشد.

منابع و مأخذ

- [۱] ابراهیم زاده، عیسی، (۱۳۸۶) فلسفه تربیت، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- [۲] ابن اثیر (۱۳۶۴)، النهایه فی غریب الاثر، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان
- [۳] ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد. ۱۳۵۶ ه. ق. الکامل فی التاریخ. ج ۲. قاهره: مطبعة المنیریة.
- [۴] ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. ۱۳۴۵. مقدمه ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- [۵] ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ق)، تحف العقول، محقق و مصحح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم
- [۶] ابن طقطقی، محمد بن علی. ۱۳۱۷ ه. ق. الفخری فی الادب السلطانیة والدول الاسلامیه مصر.
- [۷] ابن منظور (۱۴۱۳ ق) لسان العرب، چ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی
- [۸] ابن سعد واقدی، محمد، (۱۳۶۹) طبقات، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چ دوم، تهران، نو
- [۹] ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم. ۱۳۵۲ ه. ق. کتاب الخراج قاهره: سلفیه.
- [۱۰] اتکینسون، و... (۱۹۸۹) زمینه روان شناسی، براهنی و همکاران (۱۳۷۸) رشد
- [۱۱] احدی، ح، بنی جمالی، ش. (۱۳۸۸). روان شناسی رشد (مفاهیم بنیادی در روان شناسی کودک). تهران: جیحون.
- [۱۲] احدی، ح، جمهری، ف. (۱۳۸۲). روان شناسی رشد نوجوانی، بزرگسالی (جوانی، میان سالی، پیری). تهران: پردیس.
- [۱۳] احدی، حسن، بنی جمالی، شکوه السادات (۱۳۸۸)، روان شناسی رشد، مفاهیم بنیادی در روان شناسی کودک، تهران، جیحون
- [۱۴] احمدی، سید احمد (۱۳۷۵) روان شناسی نوجوانان و جوانان، تهران، مشعل
- [۱۵] ادیب، یوسف (۱۳۸۹) نقش تربیت دینی در تحقق صلح جهانی، ماهنامه مهندسی فرهنگی، شماره ۴۸ و ۴۷، سال پنجم.
- [۱۶] اربلی، علی بن عیسی (۱۳۴۶) کشف الغمّه فی معرفه الائمه، ترجمه علی بن حسین زواره ای، چ دوم، قم، ادب الحوزه
- [۱۷] ارفع، سید کاظم (۱۳۷۵)، اخلاق در قرآن، محاسن، چاپ دوم، تهران، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی
- [۱۸] ارفع، سید کاظم (۱۳۷۶)، اخلاق در نهج البلاغه- بنیادهای اخلاق، ج ۱، چاپ اول، تهران، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی
- [۱۹] ارفع، ک (۱۳۸۱)، مکارم الاخلاق، تهران، تربت فیض کاشانی
- [۲۰] استادان طرح جامع آموزش (۱۳۷۶)، خانواده و فرزندان در دوره ی ابتدایی، چ ۷، تهران، ناشر انجمن اولیاء و مربیان،
- [۲۱] اسعدی، حسن (۱۳۸۷) خانواده و حقوق آن، مشهد، به نشر
- [۲۲] اسلامی ندوشن، محمد علی (۱۳۵۴)، فرهنگ و شبه فرهنگ، تهران، توس،
- [۲۳] اسماعیل علی، سعید، جواد رضا، محمد، (۱۳۸۴) مکتب های و گرایش های تربیتی در تمدن اسلامی، مترجم، بهروز رفیعی، اول، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم،

- [۲۴] اسماعیلی یزدی، عباس (۱۳۸۵ ش)، فرهنگ اخلاق، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ دوم
- [۲۵] اصطخری، ابراهیم بن محمد. ۱۳۶۸. المسالك والممالك به کوشش ایرج افشار. تهران: علمی و فرهنگی.
- [۲۶] اصفهانی، حمزه. ۱۳۴۶. تاریخ پیامبران و شاهان ترجمه جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- [۲۷] اعرافی، علیرضا (۱۳۸۶) اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، تهران: انتشارات سمت.
- [۲۸] اکبری، نعمت‌الله، (۱۳۷۳) نقش‌اندیشه دینی در فرایند توسعه، نشریه علمی خبری دانشگاه شاهد، زمستان
- [۲۹] آلن بیرو، (۱۳۷۰) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، کیهان، چاپ دوم،
- [۳۰] امین زاده، محمد رضا (۱۳۷۶) فرهنگ تعلیم و تربیت اسلامی، قم، انتشارات در راه حق، اول،